



۲۰۱۸/۰۹/۱۱



احسان الله مایار

### پیشگفتار

روزنامه ۸ صبح یکی از منابع خوب اخبار مورد علاقه بنده بوده که هر شب برای تهیه اخبار روز برای وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" از آن استفاده می‌نمایم. روزنامه ۸ صبح زیر شعار: "روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا" بر علاوه تهیه اخبار مطالب دلچسپ دیگر علمی، تحقیقی و تاریخی مستند



Al Biruni

نشر می‌کند که یک تعداد آن مورد پسند بنده بوده که وقتاً فوقتاً از آن اقتباس نموده خدمت خوانندگان گرامی تقدیم می‌دارم.

چند روز قبل نوشته تحقیقاتی محترم سید مبین هاشمی، با تأسف با جناب شان آشنائی ندارم، زیر عنوان پائین که مختصر زندگی نامه ابوریحان بیرونی، بزرگمرد و افتخار جهان اسلام در آن نقش گردیده مطالعه نمودم که نهایت در دلم چنگ زد. بنابر آن علاوه بر اینکه دعای رسائی بیشتر قلم محترم نویسنده را نمایم، خواستم تا

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی

امروز آنرا نقل نموده خدمت خوانندگان علاقمند تقدیم نمایم.

نا گفته نمی‌گذارم به اداره ای که به عنوان "ارج گذاری به شخصیت های تاریخی" در وزرات اطلاعات و فرهنگ تشریف دارند، فوتوی مدفن شخصیت نامدار جهان اسلام را که روی تصادف نیک در غزنی به ابدیت سپرده شده از نظر بگذرانند و خود قضاوت کنند که به خود چی عنوانی را اطلاق کنند.

در وایکیپدیا می‌خوانیم که:

"ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (متولد ۱۴ سنبله ۳۵۲ شمسی، کاث، خوارزم - وفات ۲۲ قوس ۴۲۷ شمسی، غزنین)، دانشمند و ریاضی‌دان، همه چیزدان، ستاره شناس، تقویم شناس، انسان شناس، هند شناس، تاریخ نگار، گاه نگار، و طبیعی دان برجسته اسلام، در سده چهارم و پنجم هجری است. بیرونی را از بزرگترین دانشمندان مسلمان و یکی از بزرگترین دانشمندان فارسی زبان در همه اعصار می‌دانند. همچنین، او را پدر انسان شناسی و هندشناسی می‌دانند. او به زبان‌های خوارزمی، فارسی، عربی، و سانسکریت مسلط بود و با زبان‌های یونانی باستان، عبری توراتی و سریانی آشنایی داشت. بیرونی یک «نویسنده بی‌طرف» در نگارش باور های مردم کشور های گونه گون بود و به پاس پژوهش‌های قابل توجهش، با عنوان استاد شناخته شده است."

واینک توجه تان را به نوشته محترم سید مبین هاشمی معطوف می‌دارم:

# اندیشه های اجتماعی ابوریحان بیرونی

هشت صبح - چهارشنبه، ۱۴ سنبله ۱۳۹۷

سید مبین هاشمی

چکیده

ابوریحان بیرونی از دانشمندان مسلمانی است که به چندین رشته علوم تبحر داشته و در حوزه های مختلف علمی میراث خوب و مثمر علمی از خود به جا مانده است. بیرونی علوم موجود در عصر خود را طبقه بندی کرده و برای علوم انسانی اهمیت خاصی قایل شده است. هرچند او در مورد طول و عرض بلاد، علم حساب، ستاره شناسی و حکایات آثار مهمی نوشته و نظریه پردازی کرده است، اما بیرونی روی پدیده های اجتماعی نیز تمرکز کرده است. البته که پیش از بیرونی دانشمندانی چون طبری و یعقوبی نیز در مورد پدیده های اجتماعی حرف زده اند، اما تفاوت بیرونی با بسیاری از دانشمندان جهان اسلام در این است که وی از روش ریاضیات، در مطالعه مسایل انسانی و اجتماعی استفاده کرده است. موصوف در حوزه اجتماعی بیشتر روی فرهنگ، تمدن، نظام های خویشاوندی، ادیان، رسم و رواج، زبان و تاریخ هند پژوهش کرده و نظریات خود را ارایه داده است. تمرکز این مقاله بیشتر در مورد اندیشه های اجتماعی بیرونی است و به ویژه نظریات او درباره جامعه، طبقات اجتماعی، دین، زبان و فرهنگ را مو شکافی می کند. نوشته کنونی یک پژوهش کتابخانه ای است. در هنگام پژوهش، بیشتر از کتابها و مقاله های دست اول استفاده شده است. هدف این پژوهش، بررسی اندیشه های اجتماعی بیرونی و تأثیرات آن در تکوین اندیشه های او بوده و اهمیت این کار در این امر نهفته است که در نتیجه این تحقیق در خواهیم یافت که بیرونی آن طوری که اذهان عامه باور دارند، تنها یک ریاضی دان و تاریخ نگار نبوده، بلکه از شمار نظریه پردازان علوم اجتماعی نیز به شمار می رود. پرسش های اصلی این تحقیق، دانستن تازگی کار بیرونی، روش تحقیق وی، چگونگی اندیشه های اجتماعی بیرونی، عوامل شکل دهنده نظریات اجتماعی او و همچنان نتیجه تحقیقات اجتماعی بیرونی می باشد.

مقدمه

در تکوین و شکل گیری تفکر اجتماعی دانشمندان جهان اسلام عواملی چون منابع اصیل اسلامی، تمدن ها، مراکز علمی دنیای باستان، عوامل اجتماعی- فرهنگی و عوامل سیاسی نقش بازی کرده اند.

تاریخ تفکر اجتماعی در جهان اسلام را می توان به هفت دوره زیر تقسیم کرد:

۱. دوره طرح مبانی دینی تفکر اجتماعی

۲. دوره طرح مبانی عقلی تفکر اجتماعی

۳. دوره تأسیس

۴. دوره تنوع حوزه ها

۵. دوره ترکیب حوزه ها و روش ها

۶. دوره رکود و حرکت یک نواخت

۷. دوره بازبینی و بازنگری (آزاد ارمکی، ۲-۱۳۹۳: ۲۱-۲۲).

ویژگی‌های اجتماعی متفکران جهان اسلام این‌ها هستند: دیدگاه مذهبی، دیدگاه فلسفی، انسان محور بودن جامعه، طبیعت اجتماعی، تاریخی و کاربردی بودن (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۱- ۱۱۶-۱۲۱).

مطالعه اندیشه‌های اجتماعی در آغاز، به شکل سفر نامه بوده و دانشمندان مسلمان در حوزه فرهنگ مسایل را بر اساس روش‌های دقیق علمی مطالعه کرده و از روش‌های جمع‌آوری، تحلیل و بررسی علمی و تجربی استفاده کرده اند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲- ۴۸-۴۷).

نظر به تقسیم بندی بالا، بیرونی را می‌توان از شمار دانشمندان مسلمان دوره تأسیس تفکر اجتماعی حساب کرد؛ زیرا چنان که آزاد ارمکی گفته است، ویژگی‌های این دوره، نگاه مقایسه‌ای به حوادث، مطالعات تاریخی و سخن در مورد جامعه، خانواده و ... است که بیرونی نیز چنین کرده است. بناً می‌توان بیرونی را از شمار نخستین نظریه پردازان علوم اجتماعی حساب کرد. موصوف از دانشمندان چند بعدی بوده و راجع به موضوعات مختلف نظریه پردازی کرده است. چنان که از نوشته‌هایش معلوم می‌شود، بیرونی در فلسفه، ریاضی، ستاره شناسی، تاریخ، جواهر شناسی، ادبیات، عقاید، آداب و رسوم مردم و ... کتاب‌ها نوشته است. او از نگاه شخصیتی یک فرد شک‌گرا بود؛ چون هیچ مطلب علمی و ادبی را به سادگی و تقلید قبول نمی‌کرد (Günay, ۱۹۹۲: ۲۱۰؛ نفیسی، ۱۳۶۸: ۱۱۲). این بدان معناست که نام برده تا وقتی که به یک مطلب حاکمیت پیدا نمی‌کرد و یا به درستی آن قناعت حاصل نمی‌کرد، نه آن را قبول می‌کرد و نه در مورد آن می‌نوشت و نه صحبت می‌کرد. بیرونی از شخصیت‌های شناخته شده و موثر عصر خودش به شمار می‌رود. شخصیت‌هایی همچون: منصور بن علی بن عراق، ریاضی‌دان بزرگ اواخر قرن چهارم، ابو سهل عبدالمنعم بن علی بن نوح، عبدالصمد حکیم (نفیسی نقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۱؛ Günay, ۲۰۱۳: ۸۷)؛ نظر به یک روایت دیگر عبدالصمد بن صمدالحکیمی (Günay, ۲۰۱۳: ۸۷) از شمار آموزگاران بیرونی هستند و در تکوین اندیشه‌های وی نقش مهمی را بازی کرده اند. موصوف با ابن سینا و ابن مسکویه در مدرسه مأمون که به نام «صوان الحکمه» یاد می‌شد و حیثیت اکادمی علوم وقت را داشت، به حیث آموزگار کار کرده است (Günay, ۲۰۱۳: ۸۸).

او پیش از اینکه با سلطان محمود به هندوستان برود، از اسیرهای جنگی هند، از استا کارهای قصر، کارگراها، مأمورین و صنعت‌گران زبان سانسکریت را یاد گرفته است (Sachau'dan, Günay, ۲۰۱۳: ۸۸). این کار بیرونی به جا و معقول بوده است؛ چون به خاطر دانستن یک فرهنگ در گام نخست لازم است که ما وارد آن فرهنگ شده، جزئیات آن را مورد مطالعه قرار دهیم و عناصر آن فرهنگ را یکایک و از نزدیک ببینیم تا این که پژوهش آسان شود و در هنگام تحقیق با مشکل رو به رو نشویم؛ در این جا یادگ پری زبان اهمیت ویژه‌ای دارد.

بیرونی کتاب‌های مهمی نوشت. آثار بیرونی را از نگاه محتوا می‌توان به سه طبقه علوم طبیعی (جغرافیه، معدن‌شناسی، گوهرشناسی و طب) علوم ریاضی (نجوم، حساب، هندسه و علوم انسانی) و ادیان (مذاهب، ادبیات، تاریخ و عقاید) (همان: ۲۲۸) بخش بندی کرد.

اندیشه‌های اجتماعی بیرونی شامل بخش سوم از طبقه بندی نامبرده می‌شود؛ چون نظریات اجتماعی موصوف بیشتر در بر گیرنده نظریات وی درباره دین، فرهنگ و رسم و رواج است.

بیرونی بنا بر تلاش و عزم راسخ، نخستین اثرش را در ۱۷ سالگی نوشت (Günay, ۲۰۱۳: ۸۷).

عصر بیرونی از نگاه علم و دانش تحرک زیادی داشت. در آن زمان دانشمندان نام داری چون ابن سینا، فرغانی، فارابی، رازی و... ظهور کردند. این مورد نیز در تکوین شخصیت علمی بیرونی نقش بازی کرده است. بیرونی در سال ۴۵۳ هجری قمری (۱۰۶۱ میلادی) در ۸۸ سالگی درگذشت. آرام گاه بیرونی در شهر غزنی است.

۱. روش تحقیق بیرونی در مسایل اجتماعی:

بیرونی در قسمت روش تحقیق و اصول نگارش بسیار دقیق بود. او هر دانشی را نظر به محتوای آن در یک چهارچوکات درست و روش مناسب حال آن دانش مطالعه کرده است. از این که بیشترین پژوهش‌های وی در



مورد علوم طبیعی و ریاضی است، در روش تحقیق نیز مشخصات ریاضی را در نظر گرفته است. او تنها روش مشاهده و تجربه را استفاده نکرده، بلکه در مطالعات علوم طبیعی از اندازه گیری نیز استفاده کرده است (نصر، ۱۳۴۵: ۲۰۹).

**نمای آرامگاه ابوریحان بیرونی در شهر غزنین**  
موصوف در بعضی موارد از روش استقرائی نیز استفاده کرده است (نفیسی نقی زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۲). از این جا چنین معلوم می شود که

بیرونی علوم را نظر به محتوای آن به دو دسته تقسیم کرده است. علمی را که از راه تجربه به دست آورده، در یک شاخه و علمی که مربوط جهان دیگر و یا میتافزیک می شود، را در شاخه دیگر گرفته و نظر به آن، روش خود را تعیین کرده است. به گونه مثال، موصوف در علوم اجتماعی روش مقایسه را اساس قرار داده و در نوشته هایش نظریات دانشمندان مسلمان، هندو و یهودی را مقایسه کرده است (Günay, ۲۰۱۳: ۹۲). او در هنگام مقایسه نظریات دانشمندان می گوید که اهل علم باید بی طرف و عادل باشد (همان: ۹۱).

تازگی روش بیرونی در این است که وی از ریاضیات در مطالعه مسایل انسانی و اجتماعی استفاده کرده و در بررسی رویدادهای تاریخی به دنبال درک علل و اسباب آن بوده است. مبانی روش شناسی وی حاوی مشخصاتی از قبیل واقع بینی، برهانی بودن، ریاضی بودن و جدایی ارزش گذاری از واقعیت است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲). پس می توان گفت اختلاف بیرونی با سایر دانشمندان اسلام در قسمت روش و شیوه کار بوده تا نگرش دینی او.

۲. اندیشه های اجتماعی بیرونی

۲/۱ مطالعه فرهنگ ها

چیزی که در فرهنگ شناسی بیشتر مطرح است، بخش ذهنی و معنوی یک جامعه است، نه چارچوب ها و سازمان های آن (نفیسی نقی زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۹). ما نیز با مطالعه فرهنگ شناسی در مورد رفتارها، کردار، شکل زندگی، شکل برگزاری مراسم، دین، رسم و رواج مردم و... معلومات حاصل می کنیم؛ یعنی کاری که بیرونی کرده است.

به باور نفیسی نقی‌زاده (۱۳۶۸: ۱۲۱-۱۲۰) تازگی کار بیرونی در این است که پیش از وی، فرهنگ به عنوان یک کل و یک واقعیت مجزا هیچ گاهی بررسی نشده و هیچ گاه به شکل موضوع علمی مطرح نشده است، ولی بیرونی ثابت کرده است که فرهنگ نیز می‌تواند مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، اما چنان که از نوشته‌های بیرونی معلوم می‌شود، او فرهنگ و موارد مرتبط به آن را بیشتر از نگاه مردم شناختی مورد بررسی قرار داده تا فرهنگ شناسی. بدون شک که فرهنگ از شمار موضوعات مردم شناسی نیز به شمار می‌رود. تقریباً تمام کتاب‌های مردم شناسی به شکلی از اشکال از فرهنگ و اجزای آن بحث کرده است، اما بیرونی بیشتر از بعد مردم شناختی به فرهنگ نگرسته است.

مردم شناسی از ریشه واژه یونانی «انتوس» به معنی گروه گرفته شده و علمی است که تاریخ ملت‌ها را بازسازی کرده، ارزش‌ها، ذهنیت، دین، نماد و تصاویر را در بر گرفته و مرحله بعد از مردم نگاری به شمار می‌رود (کوپانس، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۱ و ۱۱۵). مردم شناسی مرحله تألیف داده‌ها است. وظیفه آن کار بالای مواد جمع‌آوری شده توسط مردم نگاری می‌باشد (ریویر، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). از نظر بیرونی علم مردم شناسی از این جهت اهمیت دارد که وی پیش از نهادینه شدن علم مردم شناسی از این علم بحث کرده است. پس بیرونی را می‌توان از شمار نخستین مردم شناسان نام برد. این بدان معنی نیست که وی بنیان‌گذار مردم شناسی به شکل امروزی و یا علمی آن است؛ البته که پیش از او نیز کسان دیگری از این علم یاد کرده‌اند، اما بیرونی مطالعات مردم شناسی را هنگامی انجام داده است که این دانش به شکل امروزی آن مطرح نبوده است. او در قسمت موضوع مردم شناسی از عقاید مردم، دین و زبان بحث کرده است. نظر به تعریف علم مردم شناسی، موارد بالا از شمار موضوعات اساسی این علم است. بیرونی همچنان از تاریخ، فرهنگ و جغرافیه یاد کرده است. او فرهنگ و تاریخ جامعه هند را با دید کارکردی مورد مطالعه قرار داده است؛ نه تنها فرهنگ، بلکه ازدواج را نیز از این نگاه مطالعه کرده است. به باور بیرونی برای شناسایی یک فرهنگ، باید آن را با فرهنگ مشابه‌اش در سایر ملل و نحل مقایسه کرد و تطبیق داد تا این که درست فهمیده شود (نفیسی نقی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۲۳). بیرونی تنها درباره فرهنگ و ادیان موجود در هند نظر ارایه نکرده، بلکه در مورد دین زرتشت نیز تحقیقاتی انجام داده است (همان: ۱۲۲).

مطالعه فرهنگی بیرونی بیشتر مربوط جامعه هند می‌شود؛ چون او بیشترین تحقیقات را در این جامعه و فرهنگ انجام داده است. موصوف در قسمت بررسی فرهنگ‌ها روش تحلیل و مقایسه را پیش گرفته است. بیرونی از یک طرف فرهنگ‌ها و ارزش‌های یک جامعه را مورد بررسی قرار داده و از سوی دیگر این فرهنگ را با دیگر فرهنگ‌ها مقایسه کرده است. چنان که خود او در کتاب تحقیق ماللهندش می‌گوید هدفش آوردن دلایل، نقش و باطل بودن فرهنگ‌ها نیست؛ بلکه قصدش درک نزدیکی‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۴). او با استفاده از روش مقایسه‌ای حقایق را بیان کرده و نقاط جالب و متفاوت فرهنگ دیگر ملت‌ها را با فرهنگ خود مقایسه کرده است. به گونه مثال: مطالعه سیستم موجود کاست در جامعه هند شاید به نظر بسیاری‌ها کار عجیب و غریبی به نظر برسد، اما هنگامی که به عمق موضوع رسیده و موضوع درک شود، خواهیم دید که موجودیت سیستم کاست در همان جامعه و شرایط، کار چندان بدی نبوده است.

۲/۳. آشنایی بیرونی با ۱۳ زبان معتبر وقت، از جمله زبان سانسکریت

یادگیری زبان های مختلف انسان ها را در قسمت یادگیری علوم مختلف کمک کرده است. بیرونی به سیزده زبان از جمله سانسکریت می خواند و حرف می زد. این زبان ها بیرونی را در قسمت پژوهش در مورد زبان ها و ریشه های آن و فرهنگ ها کمک کرده است. بیرونی با فراگیری زبان سانسکریت توانایی مطالعه منابع دست اول را به دست آورده بود. او با در نظر گرفتن اهمیت زبان، نظریات خود در مورد زبان را چنین بیان کرده است: زبان، مترجمی است که شنونده را از مرام گوینده آگاه می سازد. به باور بیرونی، یکی از ویژگی های زبان جداسازی دو فرهنگ و ملت است؛ چون او علت جدایی ملت های هند و ایران را بیشتر به زبان ربط می دهد. هنگامی که او سبب جدایی دو ملت نام برده را در کتاب تحقیق ماللهند خود ذکر می کند، از سه مورد ذیل یاد می کند:

اختلاف دین، اختلاف زبان و اختلاف مرز.

یعنی زبان از عوامل تفکیک و جدایی دو ملت به شمار می رود. مثال این نوع تفکیک ها بسیار است. پس می توان گفت زبان برای ملت ها هویت سیاسی می دهد.

بیرونی در مورد ادبیات، گوناگونی زبان و تعداد لفظ برای یک معنی نیز نظریات خود را بیان کرده است. او در باب گوناگونی زبان از زبان هند بحث کرده و سبب گوناگون بودن این زبان را بیشتر به سیستم طبقاتی موجود در هند، تقسیم جامعه به عام و خاص، موقعیت شغلی و موقعیت جغرافیایی (همان: ۱۸۲-۱۲۴) ربط داده است. چون سیستم طبقاتی سبب افزایش مفاهیم و نامگذاری ها شده و موقعیت شغلی و جغرافیایی جامعه هند سبب تعدد و گوناگونی زبان در آنجا شده است؛ زیرا امکان دارد که هر طبقه و گروه نظر به موقعیت جغرافیایی، دینی و شغلی خود احساس به ایجاد زبان نو کرده که این خود سبب گوناگونی زبان ها شده باشد.

بیرونی بیشتر در مورد زبان مشترک حرف زده و زبان عربی را نسبت به هر زبان دیگر ترجیح داده است. او زبان عربی را در انتقال علم و دانش نسبت به دیگر زبان ها توانمندتر می دانست (آزاد ارمکی، ۲-۱۳۹۳: ۲۴۰). این بدان معنی نیست که وی دیگر زبان ها را یاد نداشته و یا با زبان های دیگر اثر نوشته نکرده است. برعکس او به چندین زبان حاکم بود، اما از نگاه توانایی، زبان عربی را مقتدر دانسته است. عوامل زیر می تواند ما را کمک کند که بدانیم چرا بیرونی زبان عربی را ترجیح داده و زبانی معتبر دانسته است. منبع اصلی مسلمان ها یعنی قرآن به زبان عربی نازل شده، زبان علوم اسلامی عربی است، بیشترین تحقیقات در مورد علوم دینی به این زبان انجام یافته و از سوی دیگر، خود زبان عربی دارای فصاحت و بلاغت بسیار بالایی است. ابوریحان در کتاب الصیدنه خود در وصف زبان عربی نوشته است: «دانش ها توسط زبان عربی به نقاط مختلف جهان انتقال پیدا کرده و بر دل ها نشسته است.» سانسکریت نیز از زبان هایی است که بیرونی در مورد آن بیشتر تأکید می کند. ابوریحان ویژگی های این زبان را قرار ذیل شمرده است: تقسیم شدن این زبان به زبان های عامیانه و فصیح، عریض و طویل بودن آن، اعتقاد به نظم کلام، عدم برخورد با زبان های دیگر (بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۰۳). از این جا معلوم می شود که زبان سانسکریت نیز مثل جامعه هند بسته بوده و با دیگر زبان ها در تعامل قرار نداشته است. اگر در تعامل قرار می گرفت، به احتمال زیاد تغییر می یافت.

۳/۳. طبقات اجتماعی

هر چند طبقات اجتماعی به طور مستقیم از موضوعات جامعه‌شناسی به شمار می‌رود، اما بیرونی این مورد را از دید مردم‌شناختی بررسی کرده است. بیرونی نه تنها طبقات اجتماعی، بلکه بسیاری موارد از این دسته را از دید مردم‌شناختی مطالعه کرده است. او هر چند طبقات اجتماعی به ویژه نابرابری‌های اجتماعی جامعه هند را بیشتر مورد تحقیق و موشکافی قرار داده، اما جالب این است که در هیچ‌یکی از آثار وی تعریف خاصی از خود طبقات اجتماعی دیده نمی‌شود. از لابلای نوشته‌های وی چنین برداشت می‌شود که او بیشتر روی علل طبقات اجتماعی تمرکز کرده و در مورد کارکرد‌های آن بحث کرده است. موصوف در قسمت علت بروز سیستم طبقاتی گفته است که تقسیم ثروت‌ها قشربندی اجتماعی را به بار آورده و هر طبقه در فکر وضع قوانین جدید شده است (عسکری خانقاه، ۱۳۹۱: ۹). این نظر وی بر دانشمندان بعد از خودش و حتی بر دانشمندان غیرمسلمان نیز تأثیر گذاشته است. به طور مثال کارل مارکس و ماکس وبر نیز علت بروز طبقات اجتماعی در جامعه را عوامل اقتصادی پنداشته‌اند، اما وبر با اندکی تفاوت می‌گوید که تقسیمات طبقاتی نه تنها از کنترل یا فقدان کنترل وسایل تولید به میان می‌آید؛ بلکه اختلافات اقتصادی مثل مهارت‌ها، مدارک و شرایط کار نیز در این زمینه نقش بازی می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۴۴).

بیرونی در کتاب تحقیق مالهند خویش در مورد تاریخچه قشربندی اجتماعی گفته است که پسر بابک هنگام تسلط خود بر سرزمین فارس مردم را به چهار طبقه تقسیم‌بندی کرده که پیشوایان و شاهزادگان در طبقه اول، اعیان و بزرگان دین در طبقه دوم، پزشکان و ستاره‌شناسان در طبقه سوم، صنعتگران و دهقانان در طبقه چهارم قرار داشتند. این کار، آغاز شکل‌گیری طبقات اجتماعی شده است. نام‌برده همچنان به شکل غیرمستقیم از کاست و ویژگی‌های آن بحث کرده و ویژگی‌های سیستم کاست را چنین بیان کرده است: تقسیم جامعه به گروه‌های مشخص، تعیین وظیفه و کارکرد هر یک از طبقات، عدم تحرک طبقاتی، ازدواج‌های درون‌گروهی و... . بیرونی ویژگی‌های چهار طبقه مشهور سیستم کاست (برهمن‌ها، کشتریه‌ها، ویشیه‌ها و شودره‌ها) را با ذکر ویژگی‌های اخلاقی هر یک بیان کرده، بعداً از هشت طبقه دیگر که وظیفه آن‌ها تنها خدمت برای چهار طبقه مذکور است، یاد کرده است که این طبقات عبارت‌اند از: رخت‌شویان، کفاشان، بافندگان، شکارچیان، بادبانان، سپربازان و بازیگران.

باید گفت که این نوع نظام طبقاتی در میان آریایی‌ها نیز وجود داشته است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴: ۴۶). کاست: هر چند کاست بیشتر با فرهنگ قاره هند آمیخته است، اما اصطلاح کاست واژه هندی نیست؛ بلکه از واژه «کاستای» پرتغالی گرفته شده و معنای آن نژاد و گوهر پاک می‌باشد (گیدنز از Littlejohn، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

هندی‌ها خود برای توصیف نظام کاستی اصطلاح خاصی ندارند و از واژه‌های گوناگون برای اشاره به جنبه‌های این نظام استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها واژه‌های وارنا و جاتی است. وارنا شامل چهار گروه است که هر یک بر حسب احترام اجتماعی دارای مرتبه متفاوت است و در پایین این چهار گروه نجس‌ها قرار دارند (همان: ۲۳۹).

باید گفت که نظام کاستی یک نظام بسیار پیچیده بوده در برگیرنده گروه‌های مختلف با مقام‌های متفاوت می‌باشد که در بین آنها تحرک اجتماعی وجود نداشته و تمام پیوند‌های اجتماعی درون‌گروهی می‌باشد. بیرونی جامعه هندی را از نگاه طبقه به طور عموم به خواص و عوام تقسیم کرده و در باب تفاوت آن‌ها چنین می‌گوید: خواص

عقل‌گرا بوده و هر چیز را نظر به تحکیم عقل مورد بررسی قرار داده، آن را قبول و یا رد می‌کنند، اما عوام بیشتر عاطفی برخورد کرده و در قسمت قبولی و یا رد مطلب از عقل چندان استفاده نمی‌کنند. از همین رو، بت پرستی بیشتر در بین عوام مروج است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۹۳).

بیرونی به تطور جامعه باور داشته و حین ابراز نظر در مورد جامعه هم وضعیت جامعه را در نظر گرفته هم کارکرد آن را؛ او نه تنها خود جامعه، بلکه بعضی از پدیده‌ها و اعمال جامعه را نیز نظر به کارکردشان مورد بررسی قرار داده است. به طور مثال به باور بیرونی آنچه که مردم هند را وا داشته تا کشتن گاو را حرام و ممنوع ببینارند، کارکرد گاو است. یعنی مردم هند بنا بر فایده‌ای که از گاو در انتقال اموال، قویله مزرعه و... دیده‌اند، کشتن آن را حرام پنداشته و به آن صیغه دینی داده‌اند (همان: ۴۶۷).

### ۴/۳. دین شناسی

بیرونی در چندین اثرش در مورد ادیان به ویژه هندوئیسم و زرتشت معلومات داده است. ابوریحان در مورد عقاید مردم هند و باورهای دینی آن‌ها بحث کرده است. بناً بررسی نظریات دینی وی نیز از موارد اساسی در حوزه علوم اجتماعی به شمار می‌رود. از این که بیرونی درباره ادیان آگاهی داشته، زبان مردم هند را یاد داشته، معتقدات دینی را استدلال کرده و تجربه دینی داشته است، وی نیز دین شناس به شمار می‌رود. از این که موصوف در حوزه دین شناسی روش ویژه خود را بنا نهاده است. بناً می‌توان او را از ابداع کننده های دین شناسی نیز حساب کرد. چون او از تمام شرایط دین شناسی (یادداشتن زبان، استدلال، داشتن علاقه و شوق) برخوردار بوده است.

به باور بیرونی دین شناسان به خاطر بررسی دین نخست باید فکر کنند. اگر با این نشد، آنگاه باید از معلومات و نظریات منسوبین دین استفاده کنند. موصوف هرچند مسلمان بود، اما باورها و اندیشه های ادیان دیگر را هیچ گاهی به دیده تحقیر ندید و متون ادیان را با در نظر داشت اصل بی طرفی بررسی کرده و کسانی را که اعمال و باور های دیگر ادیان را نکوهش کرده اند، ملامت کرده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳ و ۴ و ۱۶-۱۴). نامبرده در این زمینه نیز کارهای ارزشمندی انجام داده است. به گونه مثال: تعیین قبله در شهری مثل غزنی که این کار را وسیله ای برای به دست آوردن رضای پروردگار دانسته و گفته است که پروردگار پاداش این کارش را در روز قیامت برایش می‌دهد (همان). این خود دینشناسی و دینداری وی را نشان می‌دهد. موصوف در مورد دین زرتشتی، یهودی، سامری، اسلام، بودیسم، هندوئیسم، زندگی حضرت عیسی و حضرت موسا بحث کرده و درباره پیامبرهای دروغین نیز معلومات داده است.

او بر علاوه تحقیق هندوئیسم از بت پرستی و جادوگری نیز یاد کرده است. به باور بیرونی بت پرستی در آغاز، مرحله ای از مراحل تطور و تحول دینی بود، اما با گذشت زمان شکل دین را به خود گرفته است. بیرونی بت پرستی را انحراف در پرستش شمرده و عوامل ذیل را سبب پیدایش این دین شمرده است: شبیه سازی، ابراز احساسات و تمایلات درونی، احترام به بزرگان و افسانه‌ها (آزاد ارمکی، ۱-۱۳۹۳: ۲۵۷).

او همچنان از مشخصات بت‌ها و رابطه اعتقادی آن‌ها با نظام های اجتماعی و اقتصادی یاد کرده و این دین را مربوط قشر عوام جامعه دانسته است.

نتیجه:



بیرونی در کنار این که یک ستاره شناس، ریاضی دان و مورخ بود، در مورد فرهنگ، زبان و تاریخ نیز حرف زده است. بنا می توان او را از شمار نظریه پردازان اجتماعی عصر خودش شمرد. این که او در مورد جامعه شناسی کتاب نوشته نکرده و یا در این حوزه تبحر نداشته است، این موارد از جایگاه شخصیت علمی اش نمی کاهد و یا ننوشتن کتاب درباره جامعه شناسی به این معنا نیست که بیرونی در مورد موضوعات جامعه شناسی آگاهی نداشته است. برعکس او از مهمترین موضوعات جامعه شناسی یعنی جامعه، سیستم طبقاتی، دین و فرهنگ یاد کرده است. طول عمر، داشتن میانه خوب با حاکمان، زندگی آرام و مرفه و تسلط بر زبان های مختلف از جمله مواردی است که در تکوین شخصیت وی و موفقیت کاری اش نقش بازی کرده است. او برای اولین بار فرهنگ را شامل تحقیقات علمی کرده، موارد پراکنده اجتماعی را از لابلای کتابها جدا و در مورد هر یک نظریه پردازی کرده است. پس می توان وی را یک جامعه شناس، یک دین شناس و مردم شناس دانست.

کارهای ابوریحان بیرونی به ویژه مطالعات او در مورد جامعه، فرهنگ مردم و دین یک کار ناب بود که پیش از خودش کسی آن را انجام نداده است. عقل گرا و شک گرا بودن بیرونی از ویژگی هایی است که او را نسبت به دیگران متمایز ساخته است. کارهای اجتماعی بیرونی بیشتر بعد تجربی و عملی داشته است. او برای نخستین بار فرهنگ را وارد ساحه پژوهش کرده و زبان را مورد مطالعه قرار داده است.

در جامعه ما ابوریحان شناس واقعی موجود نیست. اگر هم هست شمارشان انگشت شمار بوده و آنها نیز بیشتر با اندیشه های علوم طبیعی وی آشنا هستند تا اندیشه های اجتماعی اش. بیرونی از ناشناخته ترین دانشمندان در کشور ما به شمار می رود. بسیاری ها حتی از موجودیت مقبره وی در غزنی خبر ندارند. کسانی که خبر دارند هم به آن توجهی نکرده اند. اوضاع وخیم آرامگاه ابوریحان بیرونی گواه این بی توجهی است.

#### Abstrac

#### The Review of Abu RayhanBeruni`s Social Thoughts

Abu RayhanBeruni is one of the whomemuslim`s scientists that left a lot of heritage on several sciences. Beruni classified the sciences of his period and importancedto human sciences.

Although he wrote a lot of books about arithmetic, astronomy and tales but one of the subjects that he focus on is social phenomens. Of course beforeBiruni some of the scientists such as:

Taberi and Yaqubi also wrote on social phenomans but the difference of Beruni with the most of Islamic worlds scientists is that he used math method on human and social issues. He researchedon culture, civilization, kinship system, religions, tradition, language and India history.

The focus of this article is about Beruni`s social thoughts specially thoughts of him about society, social classes, religion, language and culture. This article is a library research and during this study used firs hand resources books and articles. The aim of this study is the review of Beruni`s social thoughts and it`s effect on bringing his thoughts; the importance of this work is that after research we will find Beruni is not just a historian and mathematician as public opinion believed but he accounted also one of the social scientists. The main questions of this research is knowing freshness of Beruni`s work, his social thoughts, factors of his ideology`s shaper and result of his social researches t

## لیست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳-۱)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، چاپ پنجم، تهران: نشر سروش.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳-۲)، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر، چاپ دهم، تهران: نشر علم.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲)، تحقیق مالهند، ترجمه: منوچهر صدوقی سها، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴)، *ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)*، قم: کتاب طه.
- عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۹۱)، *مردم شناسی: روش، بینش، تجربه*، تهران: نشر علم.
- کوپانس، ژان (۱۳۹۰)، *درآمدی بر مردم شناسی و انسان شناسی*، ترجمه: حسین میرزائی، تهران: نشر ثالث.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲)، *جامعه شناسی*، چاپ بیست و هشتم، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نصر، حسین (۱۳۴۵)، *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*، تهران: دهخدا.
- نفیسی نقی زاده، محمود (۱۳۶۸)، *سیری در اندیشه های اجتماعی مسلمین*، تهران: انتشارات امیری.
- Edward, Sachau (۱۹۹۳), *Alberuni's India*, XII, ed: Fuat Sezgin, Frankfurt.
- Günay, Nasuh "، *Bîrûni'nin Dinler Tarihine katkısı* ", *Milel ve Nihah ,inanç, kültür ve mitoloji araştırmaları dergisi* ,El-Bîrûni, C.۱۰ , sayı: ۳
- Günay, Tümer "، *Bîrûnî* ", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, İstanbul.
- Littelejohn, james (۱۹۷۲), *Socia Stratification*, ed: Allen and Unwin, London.

پایان